

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تألیف: جمیع علمای انسانی

گفتگو

● گفتگو با ادیب برومند / علی دهباشی

به مناسبت انتشار دیوان اشعار استاد ادیب برومند تحت عنوان «حاصل هستی» گفتگویی با ایشان انجام داده‌ایم که می‌خوانید. «حاصل هستی» هفتمین کتاب از سرودهای استاد است که توسط نشر قصیده‌سرا به بازار کتاب عرضه شده است.

— اگر اجازه بدهید مختصری از شرح حال سرکار را بپرسم.

نام عبدالعلی و شهرتم ادیب برومند است. در سال ۱۳۰۳ در شهرگز از بخش برخوار اصفهان که ۱۵ کیلومتر با استان فاصله دارد زاییده شده‌ام و پس از طی دوره ابتدائی و متوسطه در دبیرستانهای فرهنگ و صادقیه اصفهان در سال ۱۳۲۱ دیپلم ادبی گرفته وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته حقوق قضایی لیسانس گرفتم پس از آن سالها به شغل آزاد وکالت دادگستری و رایزنی حقوقی اشتغال داشته‌ام ولی از سال ۱۳۵۹ به این طرف به علت اشتغال مداوم به فعالیتهای ادبی و تحقیقی با وجود داشتن پروانه از پذیرفتن امور وکالتی و حضور در دادگستری خودداری کرده‌ام.

— فعالیتهای ادبی شما از چه سالی آغاز گردیده است؟

فعالیتهای ادبی من از سال ۱۳۲۰ پس از گرفتن دیپلم ادبی آغاز شد. همان وقت که در دانشکده حقوق تحصیل می‌کردم از ادامه مطالعات و تحقیقات ادبی دست نکشیدم و چون قریحه ادیبیم در شعر و نثر از سن ۱۶ سالگی آغاز شکوفایی کرده بود بعد از اشغال ایران به وسیله متفقین از شهریور ماه ۱۳۲۰ احساسات جریحه‌دار شده‌ام، مرا به مبارزه با بیگانگان و هواداری از استقلال و آزادی کشانید خاصه این که بساط دیکتاتوری برچیده شده بود و با استفاده از آزادی، اشعار

سیاسی و مقالاتم در روزنامه‌ها منتشر می‌شد - این اشعار که از سن ۱۷ سالگی تا بیست سالگی سروده و انتشار یافته بود در سال ۱۳۲۴ به شکل کتاب «ناله‌های وطن» در اصفهان بچاپ رسید. این موضوع دنباله پیدا کرد و اشعار ملی و حماسی من که اکنون به چند هزار بیت می‌رسد، که چندین کتاب شده است.

— شما را استادان ادب فارسی به عنوان نماد شعر ملی و میهنی می‌شناسند و در جامعه به عنوان «شاعر ملی» معروفیت و مقبولیت دارید این لقب را از چه زمان به شما اطلاق کرده‌اند؟

از همان اوقات که اشعار سیاسی و اجتماعی من در سالهای شهریور ۲۰ به شیوه‌های پی‌گیر منتشر می‌شد جسته جسته در پاره‌ای از جراید این عنوان را دنبال نام من می‌نوشتند - در «اُپرت ایران پر آشوب» که در یک موقع بحرانی یعنی سال ۱۳۲۶ در اصفهان روی صحنه آمد و از اوضاع نابسامان ایران، از شمال و جنوب و مرکز کشور سخت انتقاد و به حاکمیت وقت حمله شده بود و به پیش از آن هم اشعار مفصلی برای آذربایجان و انتقاد شدید از تجزیه‌طلبان سروده و به تبریز فرستاده بودم از این رو در آگیهایی که مربوط به اُپرت یاد شده بود روی پارچه‌ها و کاغذهایی که تبلیغ می‌کردند و به در و دیوار می‌چسباندند از من به عنوان شاعر ملی و انقلابی یاد می‌نمودند و در مقالاتی که در تمجید ازین اُپرت میهنی و انتقادی در روزنامه اصفهان می‌نوشتند کلمه «شاعر ملی» پیشوند و پسوند نام بنده بود.

بعد از آن در هنگام ملی کردن صنعت نفت که من به جبهه ملی ایران پیوستم چون قصاید و اشعار مهیج من در حمایت از نهضت ملی ایران در رادیو قرائت می‌شد گویندگان رادیو هنگام زمامداری زنده یاد «دکتر محمد مصدق» این عنوان را جلوی نام بنده اضافه می‌کردند حتی روزنامه‌های از قبیل داد و کیهان و پیک ایران که با من همفکری نداشتند با عنوان شاعر ملی اشعار مرا به چاپ می‌رسانند. بعد از آن یک قسمت از قصیده‌هایی را که در مخالفت با سیاست استعماری و استبدادی سروده بودم مرحوم «رکن‌الدین همایون فرخ» گردآوری کرد و با مقدمه‌ای به چاپ رساند و در پشت کتاب نوشته بود: سرود رهایی اثر (ادیب برومند شاعر ملی ایران) باری نزدیک پنجاه و پنجسال است که در اکثر مجامع ادبی و سیاسی و مطبوعات این عنوان به حقیر اطلاق شده و من همواره سعی کرده‌ام که در خور این لقب باشم هر چند باز هم خود را قاصر می‌دانم و شرمسار.

— چه شرایطی باید در کسی جمع گردد تا استحقاق این عنوان را پیدا کند زیرا این یک



عنوان پرافتخار و مقدسی است که استمرارش همیشگی و جاودانی است و پشتوانه فرهنگی و معنوی دارد.

- برای این که کسی با اسحقاق «شاعر ملی» از جامعه لقب بگیرد شروط زیر لازم است:
- ۱- شعرش باید در درجه اول جزو اشعار ممتاز زبان پارسی و استادیش درین مرحله مسلم باشد.
 - ۲- نسبت به فرهنگ ملی و تاریخ کشور آنچه مربوط به پیش از اسلام و آنچه بعد از اسلام است به دیده احترام و علاقه بنگرد.
 - ۳- از خدمتگزاران به فرهنگ و علم و ادب و سیاستمداران خدمتگزار و وطن پرست قدرشناس باشد و نام آن را به خوبی یاد کند.
 - ۴- نسبت به آداب و رسوم باستانی و اصالت زبان پارسی و شعر آن که در تکوین و تقویت هویت ملی ما بسیار مؤثر است عملاً به وسیله سرودن شعر اظهار دل بستگی صمیمانه نماید.
 - ۵- هوادار طبقات ضعیف و زحمتکش باشد و به عدالت اجتماعی عمیقاً وفادار بماند.
 - ۶- در راه حمایت از استقلال و آزادی و مصالح ملی از خودگذشتگی نشان دهد و به طمع مقام و مال و منصب از هاله اصالت خود بیرون نیاید و رنگ عوض نکنند.
 - ۷- از هنجارهای درست اخلاقی و وقار و مناعت پیروی کند و احترام عنوان «شاعر ملی» را در

معاشرت‌ها و برخوردهای مختلف حفظ نماید.

۸- به مردم درس وطنخواهی و ملت‌دوستی بدهد و غرور ملی را در جامعه بیدار سازد؛ در عین حال از ضعف‌ها و کاستی‌های جامعه و روشهای نادرست انتقاد نماید.

۹- از حکومت‌های خودکامه و بی‌اعتنا به سرنوشت ملت و بی‌علاقه به تعالی کشور انتقاد کند و با آنان به مبارزه برخیزد.

۱۰- از زندانی شدن و تحمل دشواریها در هنگامی که وظیفهٔ حقگویی را به عهده داشته است نهراسد.

۱۱- شاعر ملی باید نسبت به گرفتاریهای ملت‌های دیگر که زیر ستم قرار گرفته و دچار مصیبت شده‌اند بیطرف نماند و همان‌گونه که به خوشبختی ملت خود می‌اندیشد به سلامت و بهروزی ملت‌های دیگر نیز علاقه‌مند باشد.

۱۲- از نزدیک شدن به قدرت مداران که با ملت در تقابل قرار گرفته‌اند همواره پرهیزد. باری چنان که به موجب تعارف و خوش‌آمد به شاعری بگویند «شاعر ملی» این عنوان به او نمی‌چسبد هر چند اشعار میهنی هم زیاد گفته باشد باید سالها بگذرد و با مشاهده روش‌ها و منش‌های او بر جامعه ثابت شود که این شاعر، سزاوار عنوان شاعر ملی است.

۲۳۲

- با این اوصافی که گفتید این لقب در روزگاران گذشته به شاعران برجستهٔ زمان اطلاق می‌کردند و درین زمان شما که مدت شصت سال با مفاسد محیط و استعمار و استبداد مبارزه کرده‌اید و یک رنگ و یکروی باقی مانده‌اید حال بفرمایید که چرا در اوایل مشروطیت که چند تن از شاعران که سیاسی عمل می‌کردند و اشعارشان میهنی و انتقادی بود غیر از «عارف قزوینی» کسی را به این عنوان نستوده‌اند؟

این برای آن است که اولاً ترانه‌ها و غزل‌های عارف در تحکیم اساس آزادی و مشروطیت سهم بسزایی داشت ثانیاً عارف دندان طمع را از هر چیز کشیده بود و به دنبال مال و مقام نمی‌رفت، با استغنائی طبع می‌زیست و هر چه به دستش می‌رسید به این و آن «خاصه مستحقان» می‌بخشید و در آخر هم هیچ نداشت. او با این که نسبت به ریاست جمهوری «سردار سپه» روی موافق نشان داد و می‌توانست از و که به سلطنت رسید سودیابی کند ولی بر ضد سلطنت «رضا شاه» شعر سرود و به درهٔ مرادبیک همدان تبعید گردید. با این حال او را هم چون پایهٔ بلندی در شعر نداشت بیشتر به عنوان «ترانه‌سرای ملی» می‌شناختند. به هر حال معاصران عارف امثال بهار، ایرج، ادیب الممالک، فراهانی عشقی و فرخی را هیچ‌گاه شاعر ملی نخواندند و اصولاً شهرت و



● بیژن ترقی - ادیب برومند - دکتر جهانشاه برومند - همایون خرم - علی ترشیزی - پرویز یاحقی -

علی تجویدی - جهانگیر ملک (اسفند ۷۸)

نام آوری و شعر ممتاز تنها شاعر ملی نمی سازد.

شاعر ملی باید در راه تمامیت و استقلال وطن و آزادی ملت از هیچ نهراسد و مصالح و منافع خویش را در پای وطنش ذبح نماید و با آنانی که خلاف این عمل می کنند به آویز و ستیز برخیزد. شعر و شاعری را وسیله ترقی و استفاده های مادی قرار ندهد و بی مزد و منت طبع و قریحه و قلم خود را در راه وطنخواهی و مصالح ملی به کار اندازد.

— عقیده شما نسبت به شعر چیست و سبک خودتان چیست؟

به عقیده من شعر یک پدیده خیال انگیز معنویست که باید به محض شنیدن، شنونده را متوجه یک حقیقت مسلم و یا یک موضوع عبرت آمیز و یا یک توصیف جاذب از دیده ها و شنیده نماید و او را زیر تأثیر عمیق قرار دهد. شعر باید با بیان احساس خیال شنونده را به زوایای اموری بکشاند که موجب تحریک احساسات و تلطیف عواطف او گردد و به وی درس دلدادگی به حقایق و نیکویی ها بدهد. من این گونه لطایف تخیلی را که همراه با اندیشه های سازنده است و گاه سرآغاز کارهای بزرگ می شود شعر می دانم به شرط آن که در قالب وزنهای خوشایند و دلنواز قرار گیرد و از انسجام کامل برخوردار باشد.

— با این ترتیب شعری که عاری از اوزان عروضی باشد نزد شما شعر محسوب نمی‌شود و شعر «سپید» و «آزاد» معنا پیدا نمی‌کند؟

به طور کلی ما در ادبیات فارسی «شعر سپید» سراغ نداریم آنچه امروز به این نام آمده اگر جنبه خیال‌انگیزی و رقت و عاطفه‌پروری داشته باشد نثر شاعرانه است و شعر نیست؛ اگر بخواهند کتابی درباره نثر معاصر بنویسند نمی‌توانند نثر شاعرانه را از قلم بیندازند و آنرا در کتابی که برای شعر این زمان است وارد کنند. در قدیم هم ناشر شاعرانه داشته‌ایم که کسی آنها را شعر ننامیده است مانند مقامات حمیدی، برخی از عبارات گلستان سعدی، مناجات خواجه عبدالله انصاری پاره‌های از منشآت قائم مقام فراهانی که مسجع و مقفا بوده و روح شاعرانه داشته است؛ و اما شعر آزاد که من آنرا شعرواره می‌خوانم چنانچه وزن عروضی داشته باشد و مطلب با احساسی از آن مفهوم شود هر چند وزن عروضی در همان بحر گاهی شکسته شود و به کار بردن قافیه هم الزامی نباشد با آن موافقم و خودم نیز چند قطعه از این نوع شعرواره‌ها بر سبیل تفنن سروده‌ام مانند: مرگ رستم در کتاب «حاصل هستی» ولی اگر یک مشت کلمات نامربوط و عبارت نامفهوم به شکل‌های مختلف زیر هم بنویسند که بخواهند بگویند نثر نیست باید بگویم نه شعرست و نه نثر بلکه ترهات است!

۲۳۲

اساساً سخنی که دارای جوهره شعری و خیال‌انگیز و محرک احساسات است باید در لباس نظم خودآرایی کند و با موسیقی کلام همراه باشد وگرنه چندان اثری بر آن مترتب نیست البته هر سخن منظومی هم شعر نیست و نظم تنها کفایت نمی‌کند.

— تاکنون چند کتاب شعر از جناب عالی چاپ و منتشر شده است؟

از بنده هفت جلد کتاب شعر انتشار یافته است به نام‌های ناله‌های وطن، درد آشنا (غزلیات) سرود رهایی، پیام آزادی، مثنوی اصفهان، حاصل هستی کتاب‌های شعری دیگر هم دارم که به خواست خدا بعد از من منتشر می‌گردد.

— در نویسندگی و نثر هم کتابی به چاپ رسانده‌اید؟

یک کتاب در قطع رقعی و به نام به «پیشگاه فردوسی» دارم که به وسیله نشر شبانیز منتشر شده است.

یک کتاب دیگری هم که عبارت از مجموعه مقالاتم در موضوع‌های ادبی، هنری، سیاسی است به نام «طراز سخن» زیر چاپ است.



● احمدآباد سخنرانی ادیب برومند بر سر مزار

— تا آنجا که می‌دانم در کارهای تحقیقی هم سرکار کتابهایی دارید خواهشمندم از آنها نام ببرید؟

در کارهای تحقیقی:

۱ — کتاب خردنامه نگارش ابوالفضل علی بن یوسف مستوفی را تصحیح کرده‌ام که به وسیله «انجمن آثار ملی» سابق به چاپ رسیده است.

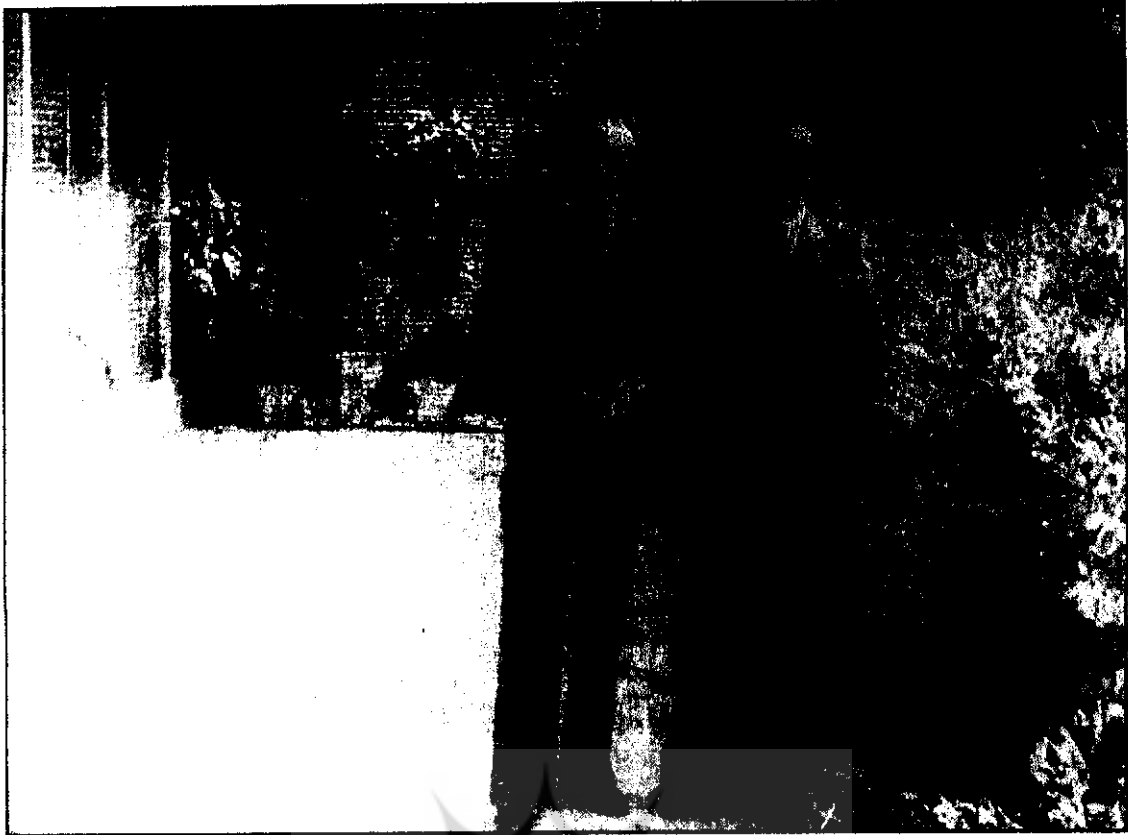
۲ — کتاب «هنر قلمدان» که پژوهشی است دربارهٔ هنر قلمدان و استادان قلمدان نگار که نشر وحید منتشر کرده است.

۳ — تصحیح دیوان غزلیات حافظ (مقابلهٔ چاپ قزوینی — خانلری — با کتاب خطی پیرحسین کاتب) مورخ ۸۷۴ با همکاری دخترم پورانداخت که نایاب است و مشغول تجدید چاپ آن هستم.

۴ — تصحیح داستان سیاوش و رفتن گیو به ترکستان بر مبنای شاهنامهٔ چاپ آقای خالقی مطلق. با توضیحات مفصل با همکاری پروین بخردی.

۵ — تصحیح داستان رستم و اسفندیار و هفتخان اسفندیار بر مبنای شاهنامه آقای دکتر خالقی مطلق با توضیحات مفصل با همکاری پروین بخردی.

۶ — تصحیح قسمت معاصران تذکرهٔ خلاصهٔ الاشعار «تقی‌الدین کاشانی» با همکاری آقای محمد حسین نصیری که به وسیله نشر میراث مکتوب زیر چاپ است.



● در کنار فرزند؛ دکتر جهان‌شاه برومند - ۱۳۶۳

— شما را افزون به شاعر و حقوقدان و محقق به عنوان خوشنویس و هنرشناس و مجموعه‌دار هم می‌شناسیم بفرمایید که از چه زمان به این قسمت روی آورده‌اید.

چون روانشاد پدرم «مصطفی قلیخان» از خط خوب بهره داشت، در کودکی مرا به خوش‌نویسی تشویق می‌کرد و این کار موجب دل‌بستگی شدیدی به خط خوب گردید و از روی خط استادان پیشین مشق کردن را آغاز کردم. کوشش و زحمت بسیارم درین امر مرا در شکسته‌نویسی توانا ساخت و سبکی ویژه خود یافتم به گونه‌ای که در هنگام تحصیل در دبستان و دبیرستان از جهت خوش خط بودن مورد تشویق و تأیید و احترام شاگردان و معلمان بودم. از آن زمان کتابهای خوش خط را دوست می‌داشتم و از پنجاه سال پیش هر جا یک کتاب خطی خوب می‌دیدم می‌خریدم. در پاره‌ای از این کتابها به کتب مینیاتوردار برمی‌خوردم که با خط خوش و نقاشی خوب و جلد ممتاز تهیه شده بود و برای فروش به بنده عرضه می‌شد؛ این گونه کتابها که دیرباب هم بود مرا بیشتر شیفته ساخته و در نتیجه به مینیاتورهای دوره تیموری و صفوی و آثار دوره زندیه و قاجار علاقه‌مند شدم و با عشق و شیفتگی بسیار همه امکانات مالی خود را صرف خرید آثار هنری مربوط به این دوران‌ها کردم. به تدریج هر چه بر اثر سرمایه‌گذاری درین کار بیشتر می‌رفتم در هنرشناسی آگاهی‌های بیشتر پیدا می‌کردم و با جرئت و شناخت کامل به فراهم آوردن این آثار می‌پرداختم — نتیجه این کار گرد آمدنی مجموعه‌ای ازین هنرها شد که برای من مایه کسب لذت

فراوان و اطلاعات گرانبها در شناسایی اشیای هنری و کتابهای نفیس گردید.

— خواهشمندم مختصری هم از فعالیت‌های سیاسی خود بفرمائید.

فعالیت‌های سیاسی این جانب از سال ۱۳۲۲ آغاز شده که یک تنه با سلاح قلم با سیاست‌های استعماری منتسب به چپ و راست مبارزه می‌کردم. پس از تشکیل جبهه ملی در سال ۱۳۲۸ به آن جبهه پیوستم و بعد از کودتای شوم ۲۸ مرداد با نهضت مقاومت ملی در حزب ایران همکاری داشتم و در تیر ماه ۱۳۳۹ از بنیان‌گذاران دوره دوم فعالیت‌های جبهه ملی بودم و در دوره سوم نیز از جمله رهبران جبهه و در دوره چهارم دعوت‌کننده همکاران سال ۱۳۶۰ برای تشکیل جبهه ملی بودم. اکنون ریاست شورای مرکزی و هیأت رهبری جبهه به بنده محول شده است.

منقشر شده است:

۱ — سفر به کرانه‌های جیحون / رابرت بایرون / لی لا سازگار /

انتشارات سخن

۲ — سنت روشنفکری در غرب / برونوفسکی و مازلیش / لی لا سازگار /

نشر آگه

۳ — روش‌های تحقیق در علوم سیاسی / مانهایم و ریچ / لی لا سازگار /

مرکز نشر دانشگاهی

۴ — حکومت (آشنایی با علم سیاست) آستین زنی / لی لا سازگار /

مرکز نشر دانشگاهی

۵ — آثار بزرگ سیاسی (از ماکیا ولی تا هیتلر) / ژان ژاک شوالیه /

لی لا سازگار / مرکز نشر دانشگاهی